

حلول سال نو ۱۳۹۴ و عید باستانی نوروز را خدمت کافه هموطنان عزیز از صمیم قلب تبریک عرض داشته و این سال را، یک سال صلح و آرامش و آزادی کشور دوست داشتنی ما، از دشمنان وطن و نوکران بیگانه ها استدعا دارم.

### بهار آمد

بهار آمد، به ملک ما خزان است  
به هر جا ناله و شور و فغان است  
چه حاصل آمدن از این بهاری  
یتیمان وطن بی آب و نان است

بهار آمد، بهاری ما نداریم  
به کشور، اختیاری ما نداریم  
ز فقر و فاقگی ها، مردم ما  
پریشان حال و غمخواری، نداریم

بهار آمد که وقت کشت و کار است  
ولی دهقان ما بی خوار و بار است  
زمزد کار برزگر، صاحب ملک  
به اسب عیش و نوش خود سوار است

بهار آمد، بهار ما کجا شد  
همه آن اعتبار ما، کجا شد  
زدست ناخلف اولاد میهن  
ذلیلیم، آن وقار ما کجا شد

بهار آمد، زدست انتحاری  
 به هرسوخون مظلوم، گشته جاری  
 به جیب ظالمان از پول تریاک  
 سر ازیر گشته، ملیونها دلاری

بهار آمد به هرسو، راه گیری  
 بود چوروچپاول، بی قراری  
 ز لطف "ع و غ" از کشور ما  
 بگشته امنیت، دور و فراری

بهار آمد، ولی قهر طبیعت  
 ز برف کوچ ها و از سیلاب، وفرت  
 هزاران خانمان، بی خانه کرده  
 نکرده رحم، به حال زار ملت

بهار آمد، شده ویرانه کشور  
 زدست خاینان، غم خانه کشور  
 ببیند "حیدری" روزی خدایا!  
 به دور از جانیمان، گلخانه کشور

پوهنوال داکتر اسدالله حیدری  
 اول حمل ۱۳۹۴ مطابق ۲۱، ۳، ۲۰۱۵  
 سدنی، آسترالیا

تذکر : شور – آشوب، غوغا و فریاد، فتنه، هیجان و آشفتگی (فرهنگ فارسی عمید).  
 خواروبار\_ چیزهای خوردنی، آنچه مردم میخورند، ارزاق (فرهنگ فارسی عمید).